

## در آستانه ۲۰۰۰

### ابوالکاتب

کمتر از فصلی دیگر، دست گاه شمار همسایه های دوروزدیک، رسن ناقوس سروررا سبک و سنگین می کند که به چه آهنگی بنوازد. آواره خاوران خمودوخمیده ازستم کم خردی وخردمندی همچنان دنبال بانگ شادی درسرزمین هزاره ها است. درآستانه ۲۰۰۰، بخشی ازسرمایه های بزرگ به جای نارنجک ومین، ساخت آدامس وکولا را در دستورکار گسترش می گذارند و شماری هنوزفرمان جنگنده های گوناگون راسوی هایی می کشانند.

درآستانه ۲۰۰۰، کشورهای نیم خورده وگاهی ناخورده دورمی ریزند، امابزرگران وکارگران سرزمین های زیادی هم چنان درچنگ بیماری فزاینده فقر غذایی گرفتارند.

درآستانه ۲۰۰۰، دانش پژوهان ووارستگان، برای دگرگونی بمب های شیمیایی به شیمی درمانی، غذایی و..... می پویند. اماسیا، موساد وماننده ها، سلاح سازی، سیانورگستری وچنگ میکربی راپی می گیرند. دراین میانه پس ماندگان دیکتاتوری هزاره های پیش برای « خودکفایی، صدور انقلاب، صرفه جویی در ارزخارجی » داروهای کهن پاک کننده رادوای دردسردوگانه می دانند واستعمالش را« واجب » می شمرند. درآستانه ۲۰۰۰، دانش انسانی گیتی رالخت کرده وآدمی درجستجوی آغوش دنیای دیگرراه می برد اماهنوز جای هایی، گیسوی برهنه رابه نشانه هماغوشی باشیطان می برند! بسیاری دین باوری رادستاورد دوران تنهایی وشرم زمین می دانند ولی هنوزکیش پرستان بی شرمانه بی داد می کنند. جایی دانش وران درهوا ابرها را آبتن می کنند وجایی دیگر، هنوززمین ترک خورده راباشک نم می دهندوازهرااس دانش دران جرئت نفرین آسمان ندارند.

درآستانه ۲۰۰۰، زورمندان زرخور، سرمست ازبریز وپیش سیل، گسل، زمین لرزه و ... اشک تمساح می ریزند وزندگی بزرگران زر را هرچه زیرترمی کشانند. به تزویر، روزهاکاروان شادی رابیشترمی کنند. به هرگونه مردم رامی جنیانند بلکه به گام پیش خواه سربازان مرگ نجنبند. همان گونه شب تیره را رنگ می کنند، به هراهنگی می رقصانندو می خوابانندتاسرود وسمای مرگ سیهندگان رادرسایه روشنا نشنوند و نیبندند. در آستانه ۲۰۰۰، ازسویی کامپیوترسازان باکودتاهای پیایی، مرزهای کهنه را می بلعند وسامان تازه ای می آفرینند. ازدیگرسوی کامپیوترداران باکودتاهای چرتکه ای، اروپای شرقی، پاکستان، تیمور وچندپاره های لاتین، سرمایه های ملی رامی بلعند و سرسپردگان تازه ای می زاینند. درچنین هنگامه ای، مانده ای به خیال خوش بختی، فرزندی فزون کرد، بلکه نوزاد نشان شده شش میلیاردمین، برای کاستن از کم رشدی کشورش، کارگشا شود اما از دیدار دوپهلوی دبیرکل دول متحد برای دراندن ملل نامتحد، چنین برمی آیدکه تنومندهای تیززدندان، بجا سرشماری کرده اند وکهنه سربازی رابرای سربازگیری به سرزمین جنگ زده فرستاده اند.

درآستانه ۲۰۰۰، جاهایی زن کالای صندوق خانه ای است وجاهایی چنان هرجایی، که آدمی می ماند درمیانه کدام حرمسرای کهنه ونو، نیمه دیگرخودرابیابد. مادران زیادی هم چنان به آرزوی برابری می زاینند. بچه هایشان بی سیم راسباب بازی مادربزرگ ها می دانند ولی پدران مقدس به هرچوبی آنان را می تاراندند، مباداپوشش پوسیده پیک وپیام پارهزاره وپیش ترا بیرانند.

درآستانه ۲۰۰۰، دهکده جهانی، گفتمان فرهنگ‌ها، آشتی بشر، پیام زمینی‌ها به کیهان، برزبان بیشتررسانه‌هاست. بسیاری از مردم، نهادهای خواستنی زورگریزراچشم دارند. دراین میانه کاردیدستان کاربردست، کنسرو زندگی را با چاشنی فلسفه‌های بوگرفته به خورداین وآن می دهند. سبزه‌های سرخ چشم زیرسایه خدا و خدایگان آزمندانه شمشیرپولادی ولیزری می سازند و آتش نیستی زیانه می دهند.

درآستانه ۲۰۰۰، حقوق چندگونه زمین و جانداران، بیش از گذشته در قانون معنای می شود. برخی جای‌ها جانوران کد ملی می گیرند و جای‌های زیادی آدمی بی شناسنامه است. حقوق بشر هنوز از قانون جزایی و جنایی جدا نیست. در همه کشورها، کودکان به آزادی چشم دارند و بزرگترها به جرم آزادی خواهی، از پای می افتند، زندانی و یا بی کاری می شوند.

درآستانه ۲۰۰۰، جای‌هایی نوباوه‌ها کیهانی می اندیشند و جای‌هایی هنوز جدال خونین دارند که جن اگر هست، کجاست، دوزخ و برزخ در کدامین کهکشاند که نشانی از روان و تن آدم نیست؟

بچه‌های ۲۰۰۰، «نسبیت» را بهتر از بنیان‌گزارش می آموزند. زنگ تفریح را باریش‌خندرستخیز بت پرستان دیروز و امروز سر می کنند، اما بزرگان هنوز بر سر شاخ گاو، یاوه‌های فلسفی می بافتند و می لافتند. یعنی هنوز خرافه، پیش‌گویی، فال، دعا و نفرین، سرسخن آیین‌های رنگ باخته است.

درآستانه ۲۰۰۰، پیدایش و پراکنش آقرینش، شتاب گسترده ستاره‌ها، کیهان نوردان و دیگر بر جستگان، در دایره المعارف‌های گوناگون شناسانده می شوند. خدایان و پیامبران باستانی نیز برگ‌هایی سیاه کرده اند اما هنوز اسپار تا کوس‌ها و مزدک‌ها ناشناخته اند! از تاریخ شاهان و کشورگشایان بسیار نوشته اند، ولی اشاره ژرفی به تاریخ مردم، برای خیزاندن تیغ سانسوربسته است. زبان به پشتوانه پول و پرتاب تنگناها راپشت سر می گذارد اما زبان مشترک، همچنان زخم خورده، درآوردگاه آگاهی انسانی واتم داران، دست و پا می زند. بخش‌هایی از زمین نشینان، به پیشواز زندگی درخورشید دیگری می روند و بخشی، همچنان برای ساعتی نور، در زندان‌ها، زیرزمین‌ها و چنان‌جای‌هایی جان می کنند.

کمتر از فصلی به دوهزارمین سالگرد تاریخ سازی گروهی از جهانیان مانده است. مردم ما، در این فصل پایه‌ها، به چه آهنگی زمستان را گرم خواهند کرد و چه گلی به شادباش بهار ۲۰۰۰، به همسایه‌های هم در خواهند داد؟!

«چاپ شده در فراز، س ۲، ش ۱۴ (آبان ۱۳۷۸) و ۳۱ و ۲۸.»